

دین و پیغمبر : «الْحَاجُ عَلِيُّ الدِّينِ كَانَ هُنَّا» «عَلِيُّ الدِّينِ»

الْإِسْلَامُ دِينٌ

تَرْوُدُ نَيْسَتَ!

Peace

Ketabton.com

۱۳۹۵



www.masjed.se

تبغونگارش :
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان
و مسؤول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

اسلام دین ترور نیست!

بسم الله الرحمن الرحيم
اسلام دین ترور نیست!

اگر ارشادات قرآنی، و هدایات و دساتیر پیامبر بزرگ وار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بطور دقیق، همه جانبه، بیطرفانه و منصفانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، بوضاحت تام در خواهیم یافت که دین اسلام دین صلح و دین رحمت بوده، و در هیچ زمانی دین تروریست نبوده و نخواهد بود.

پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم برای گسترش صلح، آرامش و رحمت مبعوث گردیده است. طبیعتاً دینی که اساس آن رحمت باشد، پیامبر آن نیز باید پیام آور رحمت و صلح باشد. «[وما ارسلناك إلا رحمة للعالمين](#)» (سوره انبیاء : ۱۰۷) (وما تورا جزء مایه رحمت برای جهانیان نفرستادیم) .

همچنان پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم در این مورد می فرماید : ([وأنا نبي الرحمة](#)) (ترمذی ، ۲۰۶) و ([انما أنا رحمة مهداة](#)) (ابن کثیر : ۳ / ۲۲۱). در روایات اسلامی آمده است بعد از اینکه مسلمانان به فتح عظیم - فتح مکه - نایل گردیدند . و مسلمانان جوقه وارد شهر مکه میگردیدند یکی از صحابه کرام (سعد بن عباده) که بیرق فتح را بدست داشت شعار میداد : ([الیوم یوم الملحة](#) ... ،) (امروز روز شفقت و بخشش است) .

همچنان در تاریخ اسلام آمده است : که صحابه کرام بعد از همه تجاوزات و اهانت های که مشرکان مکه علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش، روا داشتند. به نزد پیامبر اسلام عرض داشتند : یا رسول الله! در حق این قوم نفرین بفریسد تا از شر آن نجات یابیم . ولی پیامبر اسلام در جواب صحابه کرام فرمود: «[اني لم ابعث لعانا و نما بعثت رحمة](#) » (ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم : ۳ / ۲۱۱) (برای نفرین کردن فرستاده نشده ام بلکه برای رحمت فرستاده شده ام) . واقعاً هم روش پیامبر اسلام ، روش عفو و گذشت روش رحمت و مرحمت بود.

عسقلانی در کتاب خویش فتح الباری روایتی دارد: میگویند محمد صلی الله علیه وسلم به قاتل کاکاً خویش سید الشهدا همزه که در جنگ احمد توسط (غلام حبشي) به شهادت رسانیده شد ، و سینه مبارک اش توسط این غلام حبشي پاره و توسط هنده به دندان پاره شد و برخورد وحشیانه و غیر انسانی صورت گرفت. این عمل سبب تأثر شدید تمام مسلمانان و شخص آنحضرت محمد صلی الله علیه وسلم گردید. آما زمانیکه فتح مکه صورت گرفت و این قاتل حضرت همزه (سیدالشهدا) را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر گردند ، پیامبر اسلام به همین قاتل کاکاً خویش و اولین سپهسالار اسلام فقط همین قدر میگوید: ([از پیش چشمانم دور شو که ترا نبینم](#)). روایات وجود دارد که همین قاتل حضرت همزه تا آخری در مکه به امن و آمان زندگی میکرد. این است نمونه ترحم و این است نمونه شفقت اسلامی (الله اکبر).

پایه و ستون شریعت اسلام را صلح ، رحمت و عدم خشونت ، تشکیل مید هد. قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر اسلام بر اصل صلح و رفتار مسالمت آمیز تأکید نموده و همه هدایات اش بر این اصل نیز استوار میباشد.

اسلام دین ترور نیست!

قرآن عظیم الشان اعراب جاهلیت را که با جنگ و خون ریزی عادت کرده بودند، در اولین پیام خویش آنان را به صلح دعوت نموده و خطاب به آنان می فرماید: «**وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنِحْ لَهَا وَتَوَكُّلْ عَلَى اللَّهِ**» (سوره انفال : ٦١) (چنان چه برای صلح آغوش گشودند، تو نیز برای صلح آغوش بگشای).

دین اسلام حتی در میدان جنگ و نبرد هم خواهان صلح و آشتی است: «**وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَيْ إِلَيْكُمُ السَّلْمَ لَسْتُ مُؤْمِنًا**» (سوره نساء : ٩٤) (به آن که با شما از در آشتی و تسليم در اید مگویید که بی ایمان است) . مفسرین بر این عقیده اند که : اگر کسیکه با مسلمانان در حال نبرد ، اقدامی صلح جویانه بکند ، بر مسلمانان واجب است تا در مقابل آن به جواب مثبت بپردازد واز جنگ دست بردارد . (قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن : ١٤٠٥ / ٥ / ٣٣٦ والشوکانی فتح القدير : ١ / ٥٠١١٤).

داستان هابیل وقا بیل در قرآن عظیم الشان یکی از نمونه عالی صلح و آشتی در دین مقدس اسلام بشمار میرود . زمانیکه قابیل برادر خویش را تهدید به مرگ کرد، هابیل در جواب اش پیام آشتی و صلح را در پیش گرفت : «**لَئِنْ بَسْطَتِ إِلَيْكَ يَدَكَ لَتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطِ يَدِي إِلَيْكَ لَا أَفْتَلُكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ**» (سوره ماائد : ٢٨) (اگر تو دست به گشتن من بزنی من دست به گشتن تو نمی زنم . من از پروردگار جهانیان می ترسم).

سلام (صلح) یکی از نام های پروردگار میباشد : «**هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدِيسُ السَّلَامُ...**» (سوره الحشر : ٢٣) (اوست خداوندی که خدایی جزو او نیست ، فرمانروای فدوی سلام ...)

قرآن عظیم الشان یکهزار و چهارصد سال قبل شعار صلح جهانی را بري عالم بشریت مژده داده و می فرماید : «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خَطُوطَ الشَّيْطَانِ...**» (سوره بقره : ٢٨) (ای کسانیکه ایمان اور دید همگی در صلح در اید واز پیروی راه شیطان بپرهیزید ...)

قرآن کریم التزام مسلمانان را به صلح و امنیت با زیبایی خاص خویش چنین بیان میدارد : «**فَإِنْ اعْتَزلُوكُمْ فَلَمْ يَقْاتِلُوكُمْ وَالْقَوْمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوكُمْ أَهْلَكُمْ سَبِيلَكُمْ**» (وقتیکه از شما دست بردارند و با شما سر جنگ نداشته باشند و بخواهند از در آشتی باشما پیش آیند . خداوند راهی را برای شما علیه آنان قرار نداده است) (سوره نساء : ٩٠)

بر این اساس و حکمت است آیاتی که دلالت بر صلح و آشتی را دارد. نسخ نشده است و جنگ و مبارزه زمانی رواست که صلح خواهی وجود نداشته باشد.

اصطلاح (سلام) (صلح) و مشتقات آن در پیش از یک صد آیه از قرآن عظیم الشان بکار رفته است . وبالعكس اصطلاح (جنگ یا حرب) و مشتقات آن به جز در شش آیه از قرآن کریم تذکر یافته است . (الترمذی ، بخش الشمائی المحمدیه)

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم از جمله اولین شخصیتی در عالم بشریت است که به دیپلوماسی واقعی صلح جویانه اقدام بعمل می اورد ، سفیران و هیات های سیاسی و دیپلماتیک خویش را برای تاسیس و برقراری روابط مسالمت آمیز نزد دولت ها و امپراتوری زمان خویش گسیل داشته است . که از جمله میتوان از ارسال نامه های صلح آمیز به پادشاهان مصر ، پیزانس ، حبشه ، فارس و غیره ... نام برد.

اسلام دین ترور نیست!

«سلام» مشتق از «سلم»، (سلام) است اصطلاح (السلام عليكم ورحمة وبركاته) و (عليكم السلام ورحمة وبركاته) کلمات است که روزانه به میلیون ها مسلمان از طی قلب آن را بزیان جاری می سازد.

که در این اصطلاحات عالترین مفاهیم صلح و دوستی محبت و اشتی نهفته است. همچنان توجه نموده باشید که مسلمانان زمانیکه نام پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ویا نام سایر پیامبران بزبان آورده میشود عبارت (عليه السلام) حتماً در جنب آن اضافه میشود.

مسلمانان همه روزه نماز های پنج گانه خویش را به عالترین شعار صلح ، دوستی ، محبت و رحمت به شعار : (السلام عليكم ورحمة الله وبركاته) به پایان میرساند. مؤرخین مینویسند که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم قبل از هجرت زمانیکه در مکه زندگی میگرد هیچ وقت به عملیات نظامی و امور حربی مشغول نشده بود . ولی زمانیکه به مدینه منوره مجبور به هجرت شد ، ودر آن دیار باز هم مسلمانان مورد ازار و تجاوز قرار متعدد وغیر انسانی قرار گرفتند ، وجهاد بر مسلمانان فرض گردید ، همان بود که مسلمانان بخاطر دفاع از خود ، بخاطر دفاع از دین و عقاید خویش ، بخار دفاع از نوامیس خود ودر نهایت بخاطر دفاع از حکومت وزندگی خویش ، دست به مبارزه مسلحانه و دفاعی زند ، تجاوز را مسلمانان آغاز نه نموده ، بلکه دیگران بودند که تجاوز را بر مسلمانان تحملی داشته بودند .

در احادیث متبرکه تذکر رفته است که: پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زمانیکه گروپ های حربی و نظامی خویش را به سوی جبهات دفاعی اعزام میداشت اکیداً به ایشان هدایت میفرمود : «... ولا تقتلوا شيئاً فانياً ولا طفلاً صغيراً ولا امرأة ولا تغلوا اواصلحوا واحسنوا ان الله يحب المحسنين» (الشامی ١٣١٤ : ٦ / ٧)

(موسفیدان ، پیرمردان ، اطفال و زنان را بقتل نرسانید ، خیانت نکنید ، صلح را در پیش گیرد ، نیکی کنید ، که پروردگار نیکو کاران را دوست دارد) . این است عظمت اسلام این است زعامت عالم بشریت که همه فرمود هایش بر مفاهیم صلح ، مرحمت ، و عطوفت استور بوده و پیروان خویش را به امر مقدس صلح دعوت نموده است . و تهمت های قتل ، ترور از جمله شعار های است که دشمنان اسلام به منظور لکدار شدن اسلام به آن دامن میزنند.

همه مفسران ، دانشمندان و فقهای اسلام بر این باور و عقیده اند که اصل در روابط مسلمانان با دیگران بر صلح و مرحمت مبتنی است ، و جنگ یک وضعیت عارضی است که بر دفع تجاوز و پشتیبانی از دعوت اسلامی ضرورت می یابودر آن سیطره و غلبه بر دیگران جایی ندارد.

از ابن تیمیه (رحمه عليه) نقل شده است که می فرماید: (جنگ با آنانی رواست که با ما بر سر عمل کردن به دین می جنگند) اسلام با آنانی که خواهان صلح اند ، صلح می کند ، دین اسلام سر جنگ را ندارد ولی با کسانیکه با مسلمان وارد جنگ شوند ویا مانع دعوت مسلمانان گردد به آنان به مبارزه بر می خیزد . جهاد با حجت و بیان با توسل به زور مقدم است.

محمد عبدہ می گوید: (خداوند جنگ را برای خون ریزی و گرفتن جان دیگران یا توسعه

اسلام دین ترور نیست!

نفوذ بر ما واجب نگردانیده ، بلکه جنگ را برای دفاع از حق و پیروان آن و حمایت از دعوت واجب کرده است.

مصطفی السباعی می گوید : (اصل در روابط ما با همه ملت ها بر صلح ، ترك مخاصمه و جنگ واحترام عقاید ، آزادی ها ، اموال و ارزش ها دیگر ملل قرار دارد .) (القاسمی ، ظافر ، الجهاد والحقوق الدولية في الإسلام چاپ بیروت ، ۱۹۸۲ : ۱۸۷ و ۳۰۹)

عباس عقاد یکی از مشهور ترین دانشمندان و نویسنده گان مصری کتا بی در رد افترات عليه اسلام تحت عنوان (حقائق الاسلام و آبا طبل خصومه) تدوین داشته است. نویسنده در بخش از کتاب خویش: در باره نسبت دادن شمشیر با اسلام مینویسد (تاریخ دعوت اسلامی به اثبات رسانیده است : که مسلمانان پیش از آن که قادر باشند آزار و شکنجه مشر کان را از سر راه خویش درو نمایند ، خود قربانی خشونت ها و شکنجه مشر کان قرار گرفتند. از خانه و کاشانه خویش بیرون رانده شدند و راه حبشه را در پیش گرفتند و در نهایت به آن سر زمین پناه برندند . مسلمانان هیچ گاه به زور متول نشدند مگر در برابر زور که منطق نمی پذیرد . هر گاه به مسلمانان تعرض نشود ، از آنان بدی سر نزده است ، بر خورد مسلمانان با دولت حبشه مبين چنین واقعیت است . در جزیره العرب جنگی میان مسلمانان و قبایل عرب در نگرفت جز آن که ما هیت دفاعی داشت یا هدفی پیشگیرانه در بین بود . حق شمشیر برابر با حق زندگی است . هر جا اسلام دست گرفتن شمشیر را لازم دانسته است از باب اضطرار و برای حق در زندگی بوده است . حق زندگی در اسلام یعنی حق آزادی در دعوت و عقیده ... اگر به نقشه فعلی جهان نظر به اندازیم در خواهیم یافت که شمشیر جز در اندک مواردی موجب نفوذ اسلام در جهان نشده است . سر زمین های که جنگ در آن کمتر روی داده است بیشترین باشند کان شان مسلمان اند . که نمونه بارزی آن کشور های چون اندونیزیا ، هند و چین ... وغیره میتوان نام برد .

بر این اساس ، طبق حقوق اساسی اسلام ، رابطه میان ملتها بر روابط مسالمت امیز مبتنی است و توسل به جنگ در اسلام به واقع دفاع در برابر جنگی است که آتش آن را دیگران روشن ساخته اند . اسلام در مفهوم کلی از دو کلمه : (دین و صلح) ترکیب یافته است . (العقاد ، عباس محمد ، حقایق الاسلام و اباطیل خصومه ، ۱۹۶۶ : ۳۰۰ - ۳۰۹) داکتر زحیلی می گوید:

جنگ با ملل غیر مسلمان که با مسلمانان دشمنی ندارند و آنان را در عمل به دینشان آزاد می گذارند روایت و نباید روابط مسالمت آمیز با آنان را قطع کرد ، زیرا اصل بر صلح است . (الزحیلی ، وهبة العلاقات الدولية في الإسلام مقارنة بالقانون الدولي الحديث ۱۹۹۷ : ۱۰۲).

بنابر این گفته کسانی را که گویا: شریعت اسلامی در اغلب موارد ، شریعتی مبتنی بر جنگ و شمشیر است ، بر داشتی بی اساس بوده و به هیچ صورت با مفهوم و محتوی دین مقدس اسلام مطابقت نداشته ، ندارد و نخواهد داشت.

مشهور ترین آیه قرآن عظیم الشان که از آن در باره جنگ ذکر بعمل آمده است : (آیه : ۲۶ سوره توبه است :) « وقاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة واعلموا أن الله مع

اسلام دین ترور نیست!

المتقین « در تفسیر این آیه متبرکه مفسرین مینویسند:

۱ - هدف این آیه متبرکه حفظ حق حیات انسانی است. بر این اساس چنان چه دشمنان اسلام همگی قصد سلب حیات مسلمانان را پلان کنند، ضروری و لازمی و منطقی است که مسلمانان نیز به دفاع از حق خویش که حق مشروع است در برابر آنان ایستاده شوند و راه مقاومت را در پیش گیرند . و طوریکه به همه معلوم است که چنین دفاعی با فطرت انسانی نیز ساز گار است.

۲ - در آیه متبرکه آمده است: که چون آنان قصد جنگ با همه شما دارد ، شما نیز با آنان کار زار جنگ کنید . بنابر این آنان هستند که به مسلمانان تعرض می کنند و مسلمانان نیز در جواب اقدام تجاوز کارنه دشمن با تمام توان با مقابله دعوت شده اند .

در ادامه آیه متبرکه که از کماک ویاري پروردگار با اهل تقوا يادي بعمل آمده است ، خود مبين رعایت اصول انساني در جنگ است . (توضیح بیشتری موضوع را در تفسیر کبیر و تفسیر طبا طبایی : ۶۵-۶۸ و ۲۷/۹ میتوانید با جزئیات بیشتر مورد مطالعه قرار دهید).

غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم:

اگر غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم بطور دقیق مورد تحلیل و مطالعه قرار گیرد در خواهیم یافت که همه غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم ما هیت دفاعی داشته و با اصل اصول صلح و مرحمت ساز گار است.

غزوات اسلام به هدف اجبار مردم برای پذیرفتن دین جدید نبوده ، زیرا دین در ما هیت خود اجبار را نمی پذیرد . همه در گیر های که در عصر رسالت صورت گرفته مقاومت بوده و هر کدام آن بر حسب شرایط واقعی خاص ، هر در گیری به هدف دفاع از هویت اسلامی صورت گرفته است.

این مشرکان بودند که محمد صلی الله علیه وسلم ویارانش را از دیار شان بیرون کردند اگر یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم را از خانه و کاشانه شان بیرون نمی راندند ، و باز در مدینه علیه شان جنگ و تجاوز را روانمی داشتند به هیچ صورت جنگی صورت نمی پذیرفت. ولی همین مشرکین مکه بودند که علیه مسلمانان در مدینه هجوم را برآه انداختند و میخواستند پایتخت مسلمانان را در مدینه در برآه انداختن جنگ های احد و احزاب نابود کنند . ولی سایر غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم که نام جنگ به ایشان گذاشته شده است ، جنگ نبوده بلکه حالات دفاعی بخود داشت و تقریباً میتوان آنرا شبیه جنگ مسمی ساخت تا جنگ به مفهوم واقعی آن.

ما میتوانیم از روابط حسن و مسالمت آمیز مسلمانان و دولت اسلامی شان با دولت حبسه در صدر اسلام یا آوری نمود.

علماء مینویسند (مسلمانان زمانی متسل به زور شدند که دیگران با توسل زور مانع استقلال و آزادی آنان در عمل به دینشان شدند .) العقاد عباس محمد ، حقایق اسلام و ابا طیل خصوصه ، ۱۹۹۶ : ۳۰۰ - ۳۰۵)

مفهوم جهاد در اسلام:

در این اوآخر در وسایل اطلاعات جمعی جهان با آغاز سبک و اهنگ جدید سوالاتی را مطرح میدارند و چنان تحلیل های را به سمع جهانیان، بدین عنوان میرسانند که: جهاد

اسلام دین ترور نیست!

را در جنگ مسلحانه خلاصه میکند. حتی در قاموس های معتبر جهان به معنای جنگ مسلحانه خلاصه شده. در حالیکه جهاد انواع مختلف دارد و یک نوع آن مجادله مسلحانه است. جهاد به نفس، جهاد تنویری و آموزی خود و دیگران جهاد برای تفہیم و عام ساختن حق و

بلی باید گفت و تأکید کرد که جهاد را که دین مقدس اسلام بدان تأکید میدارد هدف از جهاد مجادله و تلاش بی حد برای خیر و راه درست است. **تا مین امنیت و تضمین حاکمیت و استقلال و دفاع از امت اسلامی است.**

جهاد برای استقرار صلح و حمایت از ادیان آسمانی فرض گردیده است . قرآن عظیم الشان این مطلب را با زیبایی خاص آن چنین تعریف مینماید :

(ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيراً ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز) (سورة حج : ٤٠) (واگر خداوند بعضی از مردم را به دست بعضی دیگر دفع نمی کرد ، هم صو معه هاراهبان وهم معابد (مسیحسان) وهم عبادتگاه های (یهودیان) وهم مساجد (مسلمانان) که نام خداوند در آنها بسیار یاد می شود، ویران می گردید ، و خداوند توانای پیروزمند است)

جهاد هیچ گاه مفهوم جنگی دینی برای وادار کردن دیگران برای پذیرش دین اسلام نداشته وندارد . چنین برداشتی به ماهیت ، روح وجوهر دین مقدس اسلام وروح هدایات قرآن عظیم الشان (لا اکراه في الدين) که برای آزادی عقیده اعلان شده است نا ساز گار ودر تضاد میباشد . (القاسمی ۱۹۸۲ : ۱۸۸)

در تاریخ زندگی پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دیده نشده که یک مسیحی را به این دلیل که اسلام را قبول نکرده است به قتل رسانده باشد . بلکه با لعکس پیامبر اسلام با مسیحسان نجران با اکرام برخوردارکرده است و حتی برای آنان اجازه داده است تا در مساجد مسلمانان به عبادت خویش بپردازند.

مؤرخین بهترین دوران را مرحله دولته صلح حد ببیه ، صلح که بین مسلمانان وقریش صورت گرفت یاد می نمایند . در این دو سال تعداد زیادی از مردم به دین اسلام مشرف شدند که تعداد شان بیش از تعداد کسانی است که قریب بیست سال از آغاز اسلام تا زمان عقد این پیمان مسلمان شده بودند . (الاسلام و منطق القوی : نویسنده فضل الله ۱۹۸۱ : ۲۱۱)

چنانچه گفته آمدیم یک بار دیگر با قاطعیت تمام حکم میکنم که روابط میان جهان اسلام با غیر مسلمان بر اصل متین صلح مبتنی بوده . که در صورت تعرض نظامی به سر زمین اسلامی در قالب حق دفاع مشروع و قانونی تو جیهه میشود . و دفاع مشروع نیز حقی است که در حقوق بین الملل هم پذیرفته شده است . و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد نیز بدان تصریح نموده است.

همچنان اگر دین اسلام را دین کامل بدانیم منطقی است که در جنب مجموع مقررات اخلاقی و قواعد مورد نیاز زندگی ، به قواعد جنگی و صلح و روابط خارجی نیز پرداخته است ، زیرا در زندگی بشر از جنگ و صلح خلاصی نیست . مگر موجودیت چنین قواعد و مقرراتی در یک نظام حقوقی نمی تواند دلیلی بر دائمی بودن یک وضعیت در آن نظام دانست و چنین نتیجه گرفت که چون در اسلام جهاد فرض گردیده است پس مسلمانان

اسلام دین ترور نیست!

همواره در جنگ دائمی با غیر مسلمانان به سر می برند. همچنان قابل تذکر است که آیا ادیان دیگر همیشه در صلح زندگی کرده اند و هر گز دست به جنگ نزده اند؟ مگر در تاریخ مسیحیت جنگ متعددی برای مسیحی کردن دیگران صورت نگرفته است؟ آیا میتوان جنگ هایی را که مسیحیان برای انداده اند به حساب دین حضرت عیسی علیه السلام که بحیث دین صلح یاد میگردد حساب کرد؟ بلی آنایی که میگویند که اسلام دین شمشیر است. اگر هدف شان از دین شمشیر آن باشد که این دین جهاد و بخصوص نظامی را بر پیروان خویش فرض گردانیده است و مفهوم جهاد را وسیعتر از جنگ با شمشیر میدانند در آن صورت سخن بجا اء گفته اند. ولی اگر هدف شان این باشد که دین اسلام به زور شمشیر منتشر شده است در اشتباہ اند، زیرا دین اسلام دین عقل و منطق، دین صلح، ترحم، گذشت و شفقت است. دین اسلام از راه عقل و منطق جهانشمول شده است.

دین اسلام پیروان خویش را همیشه به استدلال، منطق و برهان دعوت نموده میفرماید: **(أَدْعُ إِلَيْ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلُهُمْ بِالْتِي هِيَ أَحْسَنُ)** (به راه پروردگارت با حکمت و پند های حسن فراخوان، وبا آنان به طریق و شیوه ای که بهتر است مجادله و مقابله کن) (نحل: ۱۲۵)

مسلمان کردن دیگران را به زور و جبر نمی توان دعوت مشروع بحساب آورده. داخل شدن دین به زور شمشیر در دل کسی ممکن نیست.

دعوت اسلام هیچگاه از روش مسالمت آمیز خویش که پیروی از رویه احسن که قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بدان تاکید ورزیده است و برای پیروان خویش بدان امر نموده است، دور نخواهد شد.

دین اسلام دین اعتقاد و باور قلبی است که با اراده و اختیار باید آنرا پذیرفت نه با قهر و غلبه و شمشیر **دعوت اسلام منحصر به زبان نیست، بلکه در عمل باید نشان داد که دین اسلام دین صلح، صفا، دین رحمت و مرحمت است.**

بلی اسلام دارای شمشیر است ولی برای دفاع و رفع موائع مشروع و داخل چوکات و اصول اسلامی، انسانی، دفاعی مراعات دیگر اصول قبول شده که از بخش آن در بالا یاد آوری کردم. دفاع و اشاعه دین میان اسلام بر اساس دعوت ونه برای هجوم و غلبه بر دیگران مطرح است.

دین اسلام دین تروریست نیست.

تبوع ونگارش : الحاج امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
ومسؤول مرکز فرهنگی دحق لاره- جرمنی
ادرس saidafghani@hotmail.com:

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library